

پدیدارشناسی مناسک تشرّف

علی بلوکباشی

داد و آنها را به ترتیب مرحله «جدا شدن»^۵، مرحله «جدایی گزینی»^۶ یا «گذار»^۷ و مرحله «پیوستن»^۸ نام نهاد. این مراحل سه‌گانه در بیشتر صور مناسک گذر در میان مردم جامعه‌ها، بخصوص جامعه‌های ابتدایی و سنتی، مشهود است، لیکن در مناسک و آیینهایی که با واقعه‌هایی مانند بلوغ، ازدواج، آبستنی و مرگ انسان همراه است، چشم‌گیرتر می‌باشد. سه مرحله گذار در هر يك از این گونه مناسک نیز از توسعه و رشد یکسان یا ارزش و اهمیت برابر برخوردار نیست. مثلاً در تشریفات تدفین، مرحله نخست یعنی آداب و مناسک جدا شدن مرده از جمع و فضای زندگان، و در مراسم ازدواج، مرحله سوم یعنی آداب و مناسک پیوستن فرد به گروه و فضا و مکان جدید، برجستگی و اهمیت دارد؛ در صورتی که در واقعه آبستنی و بلوغ و نامزدی، یا مراسم ورود به طریقت یا جامعه‌ای سرّی معمولاً نقش و کارکرد مرحله دوم، یعنی مناسک جدایی گزینی و گذار، از اعتبار و اهمیت فراوانی برخوردار است.

در بررسی مناسک تشرّف در فرهنگهای گوناگون، مردم‌شناسان به نقش مؤثر اجتماعی و روانی این مناسک در جامعه‌ها پی برده و به آنها اشاره کرده‌اند. به‌طور کلی مناسک تشرّف، مانند شعایر جمعی دیگر، نه تنها نقشی تقویت‌کننده در یکپارچگی و انسجام گروهی دارد، بلکه در نمایش تحول و دگرگونی منزلت اجتماعی فرد همچون يك آزمون روانی تطبیق‌دهنده عمل می‌کند.

*

میرچا الیاده^۹ دانشمندی است که در شماری از دانشهای انسانی و اجتماعی تیزهوشی و بصیرت عمیقی از خود نشان داده و آثار برجسته و مهمی در زمینه اسطوره‌شناسی، تاریخ ادیان، پدیدارشناسی آیینها و نمادها و مردم‌شناسی دین از خود باقی گذاشته است.

الیاده در ۱۹۰۷ در بخارست، پایتخت رومانی، به دنیا آمد و در

آیینها و نمادهای آشناسازی: رازهای زادن و دوباره زادن. میرچه الیاده، ترجمه نصرالله زنگونی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۸، ۲۸۸ ص.

اگر دین را «مجموعه‌ای از صور و اعمال و مناسک نمادی» بدانیم که «انسان را با اوضاع و شرایط غایی هستی خود مرتبط می‌کند»^۱، تشرّف^۲ صورتی از اعمال و مناسک نمادی در میان مردم آیین‌گرا و سنتی در جامعه‌های کهن و امروزی است که ضمن آن انسان از مرحله‌ای از حیات فرهنگی - اجتماعی خود گذر می‌کند و به مرحله دیگری از حیات فرهنگی - اجتماعی گام می‌گذارد. در این گذر نمادی، انسان با گذراندن آزمونهایی همراه با رعایت بعضی محرمات موقت یا دایم در خود می‌میرد و با يك استحاله رمزگونه، هستی دنیوی و نامقدس خود را رها می‌کند و در ساختی قدسی و معنوی باززاده می‌شود. در این مرحله زندگی اجتماعی خود را در جمع مردم به صورتی تازه، با کسب امتیازاتی و قبول وظایف و قیدهایی دوباره از سر می‌گیرد.

پیشینه بررسی و تحقیق در زمینه مناسک و آیینهای تشرّف به حدود آغاز قرن بیستم باز می‌گردد. نخستین بار ون جنپ (۱۸۷۳-۱۹۵۶)، فلکلریست و قوم‌شناس هلندی تبار فرانسوی به این موضوع پرداخت. او در فصل ششم رساله معروف خود مناسک گذر^۳، که آن را در ۱۹۰۸ منتشر کرد، پنجاه صفحه، یعنی درست يك چهارم رساله، را به شرح و تبیین و تحلیل «مناسک تشرّف»^۴ اختصاص داد و نقش و اهمیتی را که این رسم در میان قومها و فرهنگهای گوناگون، بخصوص در زندگی اجتماعی انسان، دارد باز نمود.

ون جنپ انگاره‌های شعایر معمول میان مردم را که با انتقال و گذر انسان و بعضی پدیده‌های طبیعی از وضع و حالتی به وضع و حالتی دیگر همراه است همچون يك رفتار فرهنگی - اجتماعی زیر نام مناسک گذر بررسی کرد و يك ساخت و قالب عقلی و تحلیلی از آن به دست داد. او در مناسک گذر سه مرحله تشخیص

باستانی و امروزی جهان.

چند مقاله از یاده، و مقاله‌هایی از پژوهشگران خارجی و ایرانی در معرفی و نقد نظریات و آثار او به فارسی ترجمه یا تألیف، و در مجله‌های مختلف ایران چاپ و منتشر شده است. از آن جمله می‌توان «پدیدارهای فرهنگی باب روز و تاریخ ادیان»^{۱۶}، «ملاحظه‌هایی پیرامون نمادپردازی دینی»^{۱۷}، «چند نظر دربارهٔ بینش و روش پژوهش میرچا الیاده»^{۱۸}، و مقالاتی دربارهٔ دایرة

حاشیه:

1) Bellah, R.N., "Religious Evolution", in *Sociology of Religion*, ed. by R. Robertson, 1971, p. 263.

۲) «تشرّف» به معنی بزرگی یافتن و سرافراز شدن است. تشرّف یافتن به جانی مقدس یا به فرقه و طریقتی یا به حضور کسی به معنی وارد شدن به آن جای و فرقه و طریقت و حضور شخص و افتخار حضور و شرف معنوی و بزرگی حاصل کردن است. این واژه در برابر اصطلاح "initiation" برگزیده و به کار برده شد. دیگران در برابر آن اصطلاحهای «پاگشایی» (دکتر آریانپور در زمینه جامعه‌شناسی و دکتر ساروخانی در ترجمه فرهنگ علوم اجتماعی)، «رازآموزی»، «راز آگاهی»، «گذر آئینی» (دکتر عسکری خانقاه در ترجمه فرهنگ مردم‌شناسی) و «آشناسازی» (زنکوئی در ترجمه کتاب مورد بحث) بکار بردند.

3) Van Gennep, Arnold, *The Rites of Passage*, Trans. by M. B. Visedom and G. L. Caffee, London 1960.

4) Initiation Rites 5)seperation 6)segregation 7)transition
8) Incorporation 9) Mircea Eliade 10) *Traité d'histoire des religions*, Paris 1949.

این کتاب در ۱۹۵۸ با عنوان *Patterns in Comparative Religion* به زبان انگلیسی ترجمه شد.

11) *Le Mythe de l'eternel retour: archétypes et répétition*, Paris 1949.
این کتاب در ۱۹۵۴ تحت عنوان *The Myth of the Eternal Return or Cosmos and History* به انگلیسی، و در ۱۳۴۵ زیر عنوان *اسطوره بازگشت جاودانه: مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ*، توسط بهمن سرکاراتی به فارسی ترجمه شده است.

12) *Le Sacré et le profane*, Paris 1956.
ترجمه انگلیسی این کتاب با عنوان *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion* در آمریکا منتشر شد.

13) *Aspects du mythe*, 1963
متن این کتاب را جلال ستاری ترجمه و با عنوان *چشم‌اندازهای اسطوره*، در ۱۳۴۲ چاپ و منتشر کرده است.

14) *Rites and Symbols of Initiation: The Mysteries of Birth and Rebirth*, Trans. by Willard R. Trask, New York 1965.

ترجمه فارسی متن این چاپ کتاب مورد بحث این مقاله است.

15) *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (Editor in Chief), New York, London, 1987. 16 Vols.

۱۶) ترجمه منیژه احدزادگان آهنی، نشر دانش، س ۶، ش ۶، مهر و آبان ۱۳۶۵، ص ۹ تا ۱۷.

۱۷) میرچا الیاده، ترجمه مدیاکاشیگر، کیهان فرهنگی، س ۵، ش ۱، فروردین ۱۳۶۷، ص ۹ تا ۱۲.

۱۸) جلال ستاری، کتاب توس، ۱۳۶۷، ص ۱۶۷ تا ۱۷۹. این مقاله ترجمه خلاصه‌ای از مقاله‌های چند تن از صاحب‌نظران و منتقدان ستایشگر میرچا الیاده است که در ویژه‌نامه مجله *L'Herne*، که در ۱۹۷۸ انتشار یافت، چاپ شده است. در این مقاله اندیشه و نظر الیاده دربارهٔ تاریخ ادیان، پدیدارشناسی، علم اساطیر، نمادشناسی و نحوهٔ استدلال و تحلیل ساختگراییه او از پدیده‌ها و عناصر مذهبی و سنخ تفکرش دربارهٔ انسان مذهبی در جهان کهن و جهان امروزی و انسان تاریخی در روزگار ما آمده است.



۱۹۸۶ در شیکاگو درگذشت. در جوانی در هندوستان به آموختن زبان سنسکریت و مطالعه و بررسی فلسفه و ادیان هندی و آیین یوگا پرداخت. چند سالی در دانشگاه‌های بخارست و پاریس تدریس کرد. بعد به آمریکا رفت و حدود سی سال، از ۱۹۵۶ تا پایان عمر، در دانشگاه شیکاگو به آموزش تاریخ ادیان و تحقیق و تألیف پرداخت.

از الیاده نوشته‌های فراوانی بازمانده است. نمونه‌ای از آنها عبارتند از: انگاره‌ها در دین تطبیقی^۱، تحقیقی در تاریخ ادیان و نمادها و آیینها و پرستشها در دین‌شناسی تطبیقی؛ اسطوره بازگشت ابدی یا کیهان و تاریخ^۲، مطالعه و تحلیلی در زمینه عقاید مردم جوامع بدوی و سنتی دربارهٔ کیهان و زمان و تاریخ؛ قدسی و دنیوی^۳، پژوهشی در سرشت دین و نقش و اهمیت اسطوره، نماد و جنبه‌های مقدس و نامقدس رفتارها و آداب و رسوم و اشیاء در زندگی فرهنگی و مذهبی؛ چشم‌اندازهای اسطوره^۴، تحقیق و تحلیلی دربارهٔ مفهوم و ساخت و کارکرد اسطوره و شرح و تفسیر اساطیر قومهای گوناگون در توجیه و تبیین تکوین عالم هستی و زمان و مکان و تاریخ و آیینهای مربوط به آنها؛ مناسک و نمادهای تشرّف^۵، گزارشی دقیق و علمی از آداب و رسوم تشرّف یا پاگشایی در فرهنگها و رازهای زایش و باززایی در میان اقوام گوناگون و بحثی عالمانه و تحلیلی در تبیین زمینه دینی این آیینها. آخرین اثر مهم او ویراستاری و نظارت در تألیف *دایرةالمعارف دین*^{۱۵} است که مجموعه‌ای است از چند هزار مقاله دربارهٔ تاریخ و فلسفه دینها و مفاهیم اعمال نمادی در جامعه‌های ابتدایی و

دینی نوین» بررسی می‌کند. تاریخنگار دین مثلاً برای «فهم معنا و نقش تشرف نه تنها به شعایر اقوام ابتدایی» توجه و استشهاد می‌کند، بلکه برای شناخت درست و دقیق آن به «مراسم رمزگونه یونانی- شرقی و تانتریسیم هندو-تبتی»^{۲۲} و مناسک تشرف جنگاوران اسکانندیناویایی^{۲۳}، یا آزمونهای تشرفی که نشانه آنها را حتی هنوز هم در تجربه‌های عرفای بزرگ می‌توان یافت» نیز نگاهی عمیق دارد و آنها را بررسی و تحلیل می‌کند.^{۲۴}

الیاده مناسک تشرف را از دیدگاه تاریخنگار دین به سه نوع یا مقوله تقسیم می‌کند. یک نوع مناسکی است که برای همه اعضای جامعه اجباری است. دو نوع دیگر مناسکی است که انجام دادن آن برای همه لازم یا اجباری نیست. از نوع مناسک تشرف اجباری می‌توان آن دسته از شعایر جمعی را مثال زد که عملکرد آنها اسباب گذار از دوره کودکی به دوره بلوغ را فراهم می‌کند. این نوع شعایر در ادبیات قوم‌شناسی به «مناسک بلوغ»، «تشرف قبیله‌ای» یا «تشرف به یک گروه سنی» مصطلح است. از دو مقوله اختیاری، یکی مقوله‌ای است که همه انواع مناسک تشرف برای ورود به یک جامعه سرب، مانند ورود به انجمن اخوت، را دربرمی‌گیرد.^{۲۵} دوم نوعی از مناسک تشرف است که با گونه‌ای حرقه یا پیشه اسرارآمیز ارتباط دارد. در سطح دینهای ابتدایی، مثلاً حرقه شمن یا طبیب عامه از این دسته پیشه‌هاست و ورود به سلك صاحبان این پیشه‌ها با مناسک و آداب رازگونه‌ای همراه است.

الیاده آداب و مناسک تشرف را «یکی از برجسته‌ترین پدیده‌های معنوی در تاریخ حیات انسانی» و مهم‌ترین موضوع برای شناخت انسان جامعه‌های ابتدایی یا جامعه‌های سنتی- مذهبی می‌داند. تشرف را «عملی» می‌انگارد که «نه تنها زندگی دینی فرد، به معنای امروزی آن، بلکه تمام زندگی او را دربر می‌گیرد». می‌گوید در جامعه‌های باستانی و ابتدایی فرد از طریق مناسک تشرف از قلمرو و ساحت هستی طبیعی به ساحت هستی فرهنگی راه می‌یابد و با دریافت ارزشهای فرهنگی - معنوی منزلت انسانی می‌یابد و در فرهنگی که در آن زاده شده است حضور می‌یابد و با اعضای دیگر جامعه شریک و همراه می‌شود.^{۲۶}

به عقیده الیاده مناسک تشرف نشان می‌دهد که در جهان ابتدایی مادام که انسانها خود را در «سطح طبیعی هستی» احساس می‌کنند انسانیت خود را «تمام و کامل» نمی‌انگارند. برای اینکه هستی خود را کمال بخشند و «به تمام معنا انسانی کامل» بشوند باید «خود را در این مرحله از حیات طبیعی بمیرانند تا در حیاتی متعالیتر، که حیات فرهنگی و دینی است، باززاده شوند». پس تازمانی که فرد از انسانیت طبیعی گذر نکرده، یا فضای طبیعی

المعارف دین^{۱۱} را نام برد.

*

کتاب مناسک و نمادهای تشرف مجموعه گفتارهایی است در روش پدیدارشناسی دینی و شناخت ساخت انگاره‌های تشرف و درک نمادهای این گونه مناسک فرهنگی- دینی در میان قومهای مختلف جهان. متن کتاب را الیاده از سخنرانیهای خود در دانشگاه شیکاگو، در پاییز ۱۹۵۶ فراهم آورده و در شش فصل تدوین کرده است. پیشگفتاری بسیار کوتاه نیز در شرح چگونگی تدوین کتاب و مقدمه‌ای در توضیح موضوع به کتاب افزوده است. عنوان فصلهای ششگانه چنین است:

رازهای تشرف در دینهای ابتدایی، آزمونهای سخت تشرف، از مناسک قبیله‌ای تا کیشهای سرب، تشرفهای فردی و جامعه‌های سرب، تشرفهای قهرمانی و شمنی، و انگاره‌های تشرف در دینهای عالی.

عنوان نخستین چاپ کتاب در ۱۹۵۸ زایش و باززایی: معانی دینی تشرف در فرهنگ بشری^{۲۰} بود. در چاپ دوم که در همان سال منتشر شد، الیاده عنوان آن را به عنوان کنونی تغییر داد. در این گفتارها طرف خطاب الیاده، بنا به گفته خود او، خوانندگان فرهیخته غیرمتخصص علاقه‌مند به مباحث آیینی - دینی در تاریخ معنوی حیات بشری بوده است. از این رو در شرح پدیده پیچیده تشرف و آیینهای آن تنها به بیان کلیات بسنده کرده و تحقیق تفصیلی در زمینه موضوع را به آثار دیگر خود، بخصوص به کتاب مرگ و تشرف^{۲۱} که در دست تألیف داشته، احاله کرده است. به هر حال فهم و درک بعضی از مباحث مختلف کتاب نه تنها برای خوانندگان غیرمتخصص، بلکه حتی برای بعضی از اهل فن و آشنایان به تاریخ ادیان و مردم‌شناسی تا اندازه‌ای دشوار است. در این کتاب الیاده همچون یک تاریخنگار دین از چشم‌انداز تاریخی به پدیده تشرف نگاه می‌کند. او دامنه نگاه تاریخنگار دین را در پژوهش این موضوع گسترده‌تر از نگاه قوم‌شناس که در پژوهشهایش، به زعم او، فقط با جامعه‌های ابتدایی سروکار دارد، می‌بیند. استدلال الیاده این است که تاریخنگار دین در تحقیقاتش «تمام تاریخ دینی حیات بشری را از نخستین کیشهای عصر دیرینه سنگی که اسناد و مدارکی از آنها به ما رسیده تا نهضت‌های

زمینه ساخت انگاره‌های مناسک تشرّف در دینهای ابتدایی جهان» ستسوده است، در متن فارسی اعتبار و ارزش اصلی خود را از دست داده و به صورت نوشته‌ای ضعیف و مغلوپ درآمده است.

در زیر مواردی چند از نقصهای متن فارسی این کتاب و نمونه‌هایی از لغزشها و خطاهای مترجم را که ضمن مقابله فقط چند صفحه از متن فارسی با متن اصلی یافته‌ام برای آگاهی خوانندگان ذکر می‌کنم.

(۱) ضبط غلط نام نویسنده. صورت درست نام نویسنده کتاب به زبان رومانیایی میرچیا (میرچا) الیاده است.^{۲۸} کسانی که آثاری

حاشیه:

(۱۹) در معرفی *دائرة المعارف دین*، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، دو مقاله در مطبوعات فارسی چاپ و منتشر شده است. یکی در نشر دانش. نوشته دکتر نصرالله پورجوادی، س ۶، ش ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵، ص ۸۹ و ۹۰. دیگری در فرهنگ (کتاب دوم و سوم)، نوشته بهاء‌الدین خرمشاهی، بهار و پاییز ۱۳۶۷، ص ۶۰۷ تا ۶۱۸.

20) *Birth and Rebirth: The Religious Meanings of Initiation in Human Culture*, New York, 1958.

21) *Death and Initiation*

(۲۲) *Indo-Tibetan Tantrism*. ناترا طیفه‌ای از آثار دینی هندو به زبان سنسکریت و مجموعه‌ای از آثار بودائی است که عمدتاً ماهیت رمزی-جادویی دارند. تانترسم اشاره به مکتب و آئین ناترا و مذهب پیروان آن دارد. (نک. به واژه Tantra در

The Shorter Oxford English Dictionary on Historical Principles, 1972)

مکتب تانترسم در قرن چهارم میلادی پیدا شد و از قرن ششم به بعد در میان پیروان آیین بودا در شمال غربی هند، نزدیک مرز افغانستان و بخش شرقی بنگال رواج و گسترش یافت. این آیین از آمیختن عناصر گوناگون مذهب هندو و آداب یوگا و مجموعه‌ای از سحر و جادو و فنون ریاضت شکل یافته و در همه نشون فلسفی-عبادی و اخلاقیات و هنر جامعه هندو بودائی رخنه کرده و اثر گذاشته است. برای اطلاع از این آئین نگاه شود به ادیان و مکتبهای فلسفی هند، دارپوش شایگان، جلد ۱ و ۲، امیرکبیر، ۱۳۵۶.

23) *Scandinavian berserkers*

(۲۴) نک. متن اصلی کتاب مورد بحث این مقاله، ص ۱.

(۲۵) ورود یا تشرّف به طریقت قادری، یکی از فرق صوفیانه ایران، با آیین تلقین انجام می‌گیرد. در مناسک تلقین، شیخ طریقت ضمن الفاء اصول و مباحث طریقت به داوطلب، شایسته‌ها و ناشایسته‌های مذهب و طریق درویشی را برای او شرح می‌دهد و او را به یک آزمون رازگونه طولانی فرا می‌خواند. داوطلب پس از گرفتن تلقین و قبول تعلیمات و گذراندن آزمون به عالم قدسی و معنوی طریقت قادری تشرّف حاصل می‌کند و به سلک پیروان قادری در جامعه درویشی می‌پیوندد. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به «مفاهیم و نمادگاریها در طریقت قادری»، علی بلوکباشی، مردمشناسی و فرهنگ عامه، ش ۳، زمستان ۱۳۵۶، ص ۳ تا ۲۶.

(۲۶) متن اصلی کتاب، ص ۳.

27) Eliade, M., *The Sacred and the Profane*, 1959, p. 187.

(۲۸) جلال ستاری در چگونگی تلفظ صحیح نام الیاده می‌نویسد: «آقای دکتر محمدعلی صوتی به بنده توجه دادند که تلفظ صحیح اسم مؤلف که اهل رومانی است، به زبان مادریش، میرچا الیاده است.» چشم‌اندازهای اسطوره، توس، ۱۳۶۲، حاشیه پیشگفتار.

انسانیت را رها نکرده است، به یک انسانیت کمال یافته و کامل دست نخواهد یافت. از این رو الیاده آرمان انسانیت برای فرد ابتدایی را دستیابی به سطح والای انسانی یا «فرانسانی» می‌داند و تشرّف را به «استحاله انسان در یک تجربه فراطبیعی مرگ و رستاخیز یا تولدی دوم» تعریف می‌کند. الیاده خاستگاه مناسک تشرّف را «خاستگاهی فرانسانی» و متعالی و معنوی می‌داند و می‌گوید «خدایان و قهرمانان فرهنگی یا نیاکان اسطوره‌ای هستند که مناسک تشرّف را که دربرگیرنده آزمونهای سخت مرگ و رستاخیز نمادی است» در میان مردم بنیاد نهاده‌اند. «نوآموز یا اجرای مناسک تشرّف از عملی آبر انسانی و الهی تقلید می‌کند» و می‌کوشد تا خود را «مطابق با تصویری آرمانی که از راه اسطوره‌ها بر او مکشوف شده است» بسازد. او می‌کوشد تا با انجام دادن همه آزمونهای آیین تشرّف به «آرمان دینی انسانیت دست یابد» و تلاش و کوشش او دربرگیرنده جرثومه تمام اخلاقیاتی است که بعداً در جامعه‌های تطور یافته به کار گرفته می‌شود.^{۲۷}

*

اکنون نظری کوتاه به ترجمه فارسی کتاب آیینها و نمادهای آشناسازی... بیفکنیم. مقدمتاً بگویم که ترجمه متنی از زبان خارجی به زبان فارسی سه رکن عمده و اساسی دارد. نخست تسلط کامل به زبانی که متن به آن نوشته شده است، دوم فارسی‌دانی و آگاهی از زبان و ادب فارسی، و سوم آشنایی با دانش موضوع متن و آثاری که در آن زمینه نوشته شده است. باریک‌اندیشی، ذوق و طبع ظریف، و دقیق و امین بودن نیز از خصالی است که اگر مترجم از آنها برخوردار باشد کیفیت کار ترجمه را بالا می‌برد و بر ارزش و اعتبار آن می‌افزاید. متأسفانه مترجم این کتاب به سبب نداشتن تسلط کافی بر زبان انگلیسی و ناآشنایی با تاریخ ادیان و دانش مردمشناسی و نوشته‌های مربوط به آن و شتابزدگی و سهل‌انگاری و نداشتن دقت کافی نتوانسته است از عهده ترجمه کتاب به نحو شایسته برآید. از این رو کتاب الیاده، که توماس آلتیزر آن را در نقدش «شاهکار روش پدیدارشناسی در مطالعه و بررسی تاریخ ادیان» دانسته و توفیق نویسنده آن را «در نوشتن یک تحلیل پدیدارشناختی برجسته در

Initiatory Ordeals را «معنای آزمونهای سخت مربوط به نخستین مرحله» (ص ۴۶) ترجمه کرده است.

۲) عنوان The Bull-roarer and Circumcision را «چوبدستی و ختنه» (ص ۵۷) ترجمه کرده است. bull-roarer («گاؤ غرنبه»^{۲۹}) چوبدستی نیست بلکه نوعی قارقارک است که در میان بعضی از قبایل استرالیایی در آیینهای خاصی به کار می‌رود. این قارقارک از يك تکه چوب که لبه‌های آن دندانه‌دار است و به آن يك تسمه بسته‌اند، ساخته شده است. در وقت تاباندن و گرداندن «گاؤ غرنبه» صدایی شبیه غرش گاو بر از آن درمی‌آید. مردم ابتدایی این گاؤ غرنبه را نمادی از آفریننده و نیای اسطوره‌ای و صدای آن را مظهر آوای آنها می‌پندارند. مردمشناسان عقیده دارند که «گاؤ غرنبه» احتمالاً همراه با فرهنگ ملانزیایی به استرالیا آمده است.

۳) واژه incision (برش یا چاک و شکاف) یا کلمه incisor (دندان ثنایا) اشتباه گرفته شده و بر این اساس subincision، که اصطلاحاً به معنی «برش یا چاک زیر مجرای بول» است، «کشیدن دندان» معنی شده است و در برابر عنوان Symbolism of Subincision، بی توجه به مطالب مبحث مربوط به آن، «نمایش کشیدن دندان» (ص ۶۴) گذاشته شده است. گفتنی است که در میان بعضی از جامعه‌های ابتدایی، مانند قبایلی از استرالیا، برش یا چاک دادن «uretha» در امتداد ته آلت تناسلی مردان، همچون ختنه کردن، بخشی از مناسک تشرّف بلوغ مردانه به‌شمار می‌آید. ایاده دو معنی دینی برای این عمل بومیان تصور کرده است: یکی عقیده به دو جنسی بودن و دیگر عقیده به ارزش دینی خون در میان این قبایل. در توضیح این دو می‌نویسد: در بعضی از قبایل بومی این شکاف نمادی از اندام جنسی زنانه است و مردان با این نشانه به ایزدان قبایل، که دو جنسی تصور می‌شوند، شباهت خواهند برد. در بعضی قبایل نیز چنین پنداشته می‌شود که با این عمل روی بدن مردان، خون زنانه‌ای که به وقت جنینی از مادر تغذیه کرده‌اند از تن آنان بیرون می‌رود و به این گونه از مادران خود و خاصیت زنانگیشان جدا می‌شوند و به جرگه مردان تشرّف حاصل می‌کنند.^{۳۰}

۴) revelation، که اصطلاحات عرفانی «مکاشفه» و «کشف و شهود» در برابر آن در فارسی جا افتاده است، به «آشکارسازی» و عنوان The Degrees of Revelation به «درجات آشکارسازی» ترجمه است (ص ۸۵).

۵) صفت extant به معنی «بازمانده» یا «موجود» با کلمه extent به معنی «وسعت» اشتباه شده و عنوان بخشی از فصل سوم کتاب (An Extant Australian Secret Cult) بجای «يك كیش سري بازمانده در استرالیا»، «وسعت آیین سري استرالیایی» (ص ۱۰۲) ترجمه شده است.

از این نویسنده به فارسی برگردانده یا مقالاتی درباره او و آثارش به فارسی نوشته‌اند، همه این صورت، یعنی میرچیا (میرچا) ایاده را در نوشته‌های خود به کار برده‌اند. مترجم این کتاب بی توجه به تداول این صورت مضبوط از نام نویسنده در ادبیات فارسی، اسم او را با املا «میرچه‌ایاده» آورده است.

۲) ترجمه نکردن توضیحات نویسنده. ایاده توضیحاتی در پای نوشت فصلهای ششگانه کتاب نوشته و با منابع و مآخذ متعدد به زبانهای مختلف همراه کرده است. مترجم به جای ترجمه این توضیحات به فارسی، و حتی افزودن یادداشتهایی از خود در شرح مبهمات و معضلات متن، یادداشتهای ایاده را عیناً به زبان انگلیسی در پایان کتاب آورده است.

۳) ندادن فهرست موضوعات و اعلام. متن اصلی کتاب دارای فهرست موضوعات و اعلام است، لیکن متن فارسی فاقد چنین فهرستی می‌باشد. مترجم می‌توانست، دست کم با بهره‌گیری از فهرست موضوعی متن اصلی و صرف اندکی از وقت خود، فهرستی از اعلام و موضوعات برای متن فارسی فراهم بکند تا دستیابی خوانندگان فارسی زبان به موضوعها و مطالب و نام سرزمینها و قومها و قبیله‌ها و اشخاص آسان گردد. مترجم حتی در ترجمه فارسی فهرست مندرجات کتاب، عناوین زیر فصلهای ششگانه را حذف کرده است.

۴) خطاها و لغزشها. مترجم در برگرداندن بسیاری از کلمات و اصطلاحات و ترکیبات و جملات متن انگلیسی به فارسی خطا کرده و در برابرگزینی برای بعضی اصطلاحات و کلمات علمی بی‌دقتی و کج سلیقگی نشان داده است. در اینجا فقط به نمونه‌های اندکی از لغزشها و اشتباهات مترجم اشاره می‌شود.

● الف) ترجمه نادرست یا نارسای بعضی عناوین

۱) مترجم همه جا در برابر symbolism (نماد، نمادگرایی، و آیین نماد) «نمایش» و در برابر initiatory صفت initiation (تشرّف، پاگشایی و آشنا سازی) معنای دیگر کلمه یعنی «مرحله نخستین» را گذاشته، و عنوانهایی مانند Symbolism of Initiatory Death را «نمایش مرگ نخستین» (ص ۴۳) و Meaning of the

رسم آتش خوردن، لیسیدن آهن گداخته و برگرفتن زغال افروخته با دست میان درویشان قادری است.^{۳۴} الیاده آزمون با آتش را بخشی از آیین تشرف در میان جنگاوران می نامد و می نویسد که جنگاوران (berserker) می توانند مانند شمنها و اهل جذب از روی آتش بگذرند بی آنکه آسیبی به آنان برسد.^{۳۵}

۹) واژه shamanic shaman به معنی شمن و شمنی به «جادو» و «جادوگری» و اصطلاح medicine man به معنی طبیب عامه یا درمانگر عامه به «داروگر» معنی شده و در برابر عناوین Public Rites of Shamanic Initiation و Initiations of Australian Medicine Men به ترتیب «آیینهای عمومی آشناسازیهای جادوگری» (ص ۱۸۳) و «آشناسازیهای داروگران استرالیایی» (ص ۱۸۹) گذاشته شده است.

شمن واژه ای فارسی است و از سرمنه (sramana) سنسکریت به معنی زاهد و تارک دنیا گرفته شده است. آیین شمنی (Shamanism) یکی از کیشهای متداول در بعضی جوامع ابتدایی در سیبری و میان قبایل تورانی و مغول و اسکیموها و سرخپوستان امریکاست. در مردمشناسی اصطلاح شمن اختصاصاً به طبیبان عامه (medicine men) یا ساحران (sorcerers) سیبری و عموماً به طبیبان عامه در جامعه های ابتدایی اطلاق می شود. به اعتقاد این مردم شمنها و طبیبان عامه با نیروهای فوق طبیعی ارتباط دارند و از نیروی سحرآمیز خود در درگروگن کردن اوضاع و احوال عالم و درمان بیماران و دفع ارواح خبیث و شریر بهره می گیرند.

۱۰) مترجم Eleusis (الوزیس یا الوزینوس) را با Ulysse (= یونانی Odysseus: اولیس) اشتباه گرفته و عنوانی از عناوین فصل ششم، Eleusis and the Hellenistic Mysteries، را «رموز اولیس و یونانی باستان» (ص ۲۱۲) ترجمه کرده است. اولیس قهرمان مشهور یونان و از فاتحان جنگ تروا بود. در صورتی که الوزیس یکی از قهرمانان یونانی بود که نامش را بر شهر الوزیس گذاشته بودند. در این شهر مناسک رازگونه تشرف با آداب خاص برگزار

حاشیه:

۲۹) bull «گاوتر» و roarer «غرنده و بانگ کننده» معنی می دهد. «گاوغرنبه» با نظر به «آسمان غرنبه» (رعد یا تندرو صدای آن). اصطلاح رایج میان عامه مردم ساخته و به کار برده شد. «غرنبه» یا «قرنبه» = «گرنبه» در فارسی هم به معنی «بانگ و غرش» و هم به معنی «چوبدستی» است. (نک. لغت نامه برهان قاطع). در انگلیسی واژه roar به دو معنی، یکی معنی عام «غرش و بانگ مهیب» و دیگری به معنی خاص «بانگ و صدای رعد و تندر» به کار رفته است.

۳۰) نک. به متن اصلی مبحث Symbolism of Subincision در ص ۲۵ تا ۲۸.

31) The Shorter Oxford English Dictionary.

۳۲) متن اصلی، ص ۸۱. ۳۳) همان، ص ۸۵.

۳۴) نگاه کنید به مقاله «مفاهیم و نهادگارا در طریقت قادری»، مردمشناسی و فرهنگ عامه، ش ۳.

۳۵) یادداشت شماره ۲۸ از فصل پنجم، متن اصلی، ص ۱۵۷.

۶) میان دو واژه cult (کیش، آیین) و rite (مناسک) و معانی مختلف آن دو فرقی گذاشته نشده و هر دو در بیشتر جاها به «آیین» ترجمه شده است. مثلاً عنوان فصل سوم کتاب (From Tribal Rites to Secret Cults) بجای «از مناسک قبیله ای تا کیشهای سری» به «از آیینهای قبیله ای تا آیینهای سری» (ص ۹۱) برگردانده شده است.

۷) Going Berserk، نخستین عنوان از عناوین فصل پنجم، «شوریدگی» و کلمه berserk در متن «شوریده» معنی شده است (ص ۱۶۱). اصطلاح to go berserk و to be berserk در انگلیسی به معنی «وحشی شدن» و berserk «جنگاور وحشی اسکاندیناوی» است که در «نبردگاه با خشمی دیوانهوار، که به خشم جنگجو شهرت داشت، می جنگید»^{۳۱} الیاده berserkers را از لحاظ لغوی «جنگاوران در پیراهن [= پوست] خرس» تعریف می کند و آنها را از لحاظ جادویی همچون خرس می انگارد و می نویسد که (به اعتقاد برخی از مردمان بدوی) این جنگاوران هرگاه بخواهند می توانند خود را به صورت خرس یا گرگ در بیاورند. افراد می توانند با گذراندن آزمونهای نظامی- رزمی مخصوص «برسیرکر» بشوند. در این آزمونها نوآموز وجهی از جانور وحشی به خود می گیرد و جنگاوری ترسناک می شود و همچون حیوانی شکاری رفتار می کند.^{۳۲}

۸) در برابر عنوان Symbolism of Magical Heat (آیین نمادی گرمای جادویی)، «نمایش هیجان سحرآمیز» گذاشته شده است. (ص ۱۶۹).

الیاده کلمه heat را به معنی گرما و حرارت گرفته است و در توجیه آن می نویسد که بسیاری از اقوام ابتدایی از قدرت جادویی- دینی تصور «سوختن» دارند و آن را با کلمات «گرما»، «سوزش» و «بسیار داغ» توصیف می کنند. شمنها و طبیبان عامه به منظور افزودن گرمای درونی خود معمولاً آب نمک یا آب ادویه تند می نوشند و گیاهان معطر می خورند. شمنها را «استادان روی آتش» نیز نامیده اند، زیرا که روی آتش راه می روند، آهن تفته را لمس می کنند و اخگر می بلعند.^{۳۳} این عمل شمنها کمابیش مانند

exaggerate به معنی مبالغه و اغراق کردن؛ شوریدگی (ص ۱۴۴)
 در برابر madness به معنی دیوانگی؛ در نمایش (ص ۱۳) در برابر
 in appearance به معنی بظاهر یا ظاهراً؛ در انتشار (ص ۷) در برابر
 in preparing به معنی در تهیه یا آماده کردن؛ تنه درخت (ص ۴۵)
 در برابر the «bark» of tree به معنی پوست درخت.

● (د) حذف بسیاری از واژه‌ها و عبارات و جمله‌ها

در اینجا نمونه‌هایی از افتادگیها، که در مقابله دو سه صفحه از
 مقدمه متن اصلی با متن فارسی به دست آمده است، نقل می‌شود.
 واژه‌های meaningful و salvation و modern از meaningful
 rites of initiation (مناسک معنادر تشرّف) و a religion of salvation
 (دین رستگاری) و «modern man» («انسان متجدد»)، که منظور
 انسان در جامعه و دنیای جدید است) افتاده و ترجمه آنها در متن
 فارسی کتاب «آیینهای آشناسازی» و «به صورت دینی» و «انسان»
 است. (نک. ص ۹)

واژه‌های human و consistent و mythical از
 human community (جماعت انسانی) و consistent body of
 mythical tradition (مجموعه‌ای پایدار از سنتهای اسطوره‌ای)
 حذف و به فارسی تنها «جمع» و «مجموعه‌ای از سنتها» ترجمه
 شده است. (نک. ص ۱۱).

ترجمه واژه intact به معنی «دست نخورده» از این عبارت
 افتاده است: «و این تاریخ باید... به نسلهای بعد [دست نخورده]
 انتقال یابد» (ص ۱۲). جمله properly considered که در متن به
 معنی «اگر بدرستی ملاحظه (یا تأمل) شود» است از عبارت
 «لیکن، این تاریخ محفوظ...» افتاده است (ص ۱۳).
 عبارت

... indeed it was for this reason that they had been noticed and
 the effort made to acquire them. (p.xi)
 (... در واقع به این دلیل بود که به آنها [یعنی اشیا و سلاحها و
 اسطوره‌ها و...] توجه شده بود و در به دست آوردن آنها کوشش
 می‌شد.) اصلاً در متن فارسی ترجمه نشده است. این عبارت
 قاعدتاً باید در سطر ۴، صفحه ۱۴ پس از عبارت «مبنائی جادویی-
 مذهبی دانسته‌اند.» می‌آمد.

الیاده می‌نویسد چون «جوامع سنتی هیچ‌گونه یاد تاریخی به
 معنای خاص کلمه ندارند...»

... it took only a few generations, sometimes even less, for a
 recent innovation to be invested with all the prestige of the
 primordial revelations. (p. xii)
 (... گاهی چند نسل، و حتی کمتر، طول می‌کشید تا نوآوری
 تازه‌ای از همه اعتبار و منزلت کشف و شهودهای آغازین
 برخوردار شود.) این عبارت کلاً حذف شده و به جای آن فقط

می‌شده است. الیاده از رازهای الویزی و مناسک دینوزیسی و
 ارفنی همچون پدیده‌های فوق العاده پیچیده سخن گفته و اهمیت
 بسیار فراوان این مناسک و آیینهای رازگونه را در تاریخ فرهنگی و
 دینی یونان یادآوری کرده است.^{۳۶}

(۱۱) میان دو واژه motif و theme، به معنای «بن مایه» و
 «مضمون»، تفاوتی گذاشته نشده و هر دو در عنوانها و متن کتاب
 «موضوع»، گاهی هم «موتیف = شکل» (ص ۴۴)، ترجمه شده
 است.

● (ب) معادلهای فارسی نادرست در برابر واژه‌های علمی-فنی
 نوسنگی (ص ۲۳) در برابر palaeolithic یعنی دیرینه سنگی؛
 تیره‌شناس (ص ۶۴) در برابر ethnologist یعنی قوم‌شناس؛ بومی
 (ص ۶۵) و باستانی (ص ۱۳) در برابر primitive یعنی ابتدایی؛
 غرابت (ص ۱۰) در برابر originality یعنی اصلیت یا اصالت؛
 خاصیت (ص ۶۴) در برابر organ یعنی اندام؛ روحیه (ص ۱۷) در
 برابر mentality یعنی ذهنیت؛ کفرآمیز (ص ۱۵) در برابر profane
 یعنی خاکی یا دنیوی یا نامقدس؛ هیولا (ص ۱۶) در برابر chaos
 یعنی آشوب، آشفتگی یا هرج و مرج؛ میگساری (ص ۱۶) در
 برابر orgy یعنی شادخواری و عیاشی (به مناسک خاصی اطلاق
 می‌شود که در آن رقص و آواز و میگساری و... به صورتی
 غیرمعمول و به افراط و به شکل بی‌بندوبارانه انجام می‌گیرد.)؛
 حالت (ص ۲۷) در برابر status یعنی منزلت یا پایگاه یا موقعیت؛
 ابدی (ص ۲۷) در برابر entirety یعنی تمامیت یا کلیت؛ برجسته
 (ص ۷۳) در برابر dramatic یعنی درامی یا نمایشی یا داستانی یا
 نمایان.

● (ج) برابر فارسی نادرست برای واژه‌های ساده و عمومی
 پایان (ص ۷) در برابر fall به معنی پاییز (در 1956):
 گلیم (ص ۴۴) در برابر blanket به معنی پتو و روانداز؛ ویژه‌ترین
 (ص ۴۴) در برابر spectacular به معنی دیدنی یا تماشایی؛ مرگ
 (ص ۱۶) در برابر dead به معنی مرده؛ وسعت (ص ۱۰۲) در برابر
 extant به معنی موجود، بازمانده؛ درك (ص ۱۷) در برابر to

آمده است که: «... فقط نسلهایی چند دارای یاد تاریخی بوده‌اند.» (ص ۱۴).

همچنین جمله

... who have not tasted death. (p.xiii)
(آنهايي که مزه مرگ را نچشیده‌اند) ترجمه نشده و از دنباله عبارت «... نوآموز به وضع وجودی دیگری در آمده است که غیر قابل فریافت برای آنانی می‌باشد که آزمونهای سخت را نگذرانده‌اند» افتاده است (ص ۱۷).

● (هـ) ناقص و نارسا بودن بسیاری از عبارتها

در متن فارسی کتاب بسیاری از جمله‌ها و عبارتهای متن اصلی به صورتی نارسا و در پاره‌ای موارد نادرست ترجمه شده است. در زیر فقط چند مثال از این دست برگردانها نقل می‌شود.

... that it exhausted itself in the few stupendous events of the beginning. By revealing the different modes of deep-see fishing to the Polynesians at the beginning of Time, the mythical Hero exhausted all the possible forms of that activity at a single stroke. (p.xi)

ترجمه متن فارسی کتاب: «و این تاریخ منحصر و محدود به حوادث معینی است که در آغاز اتفاق افتاده. برای پلی نزیاییها يك حالت معین صید ماهی که در آغاز زمان توسط قهرمان افسانه‌ای صورت گرفته بازگو شده، بنابراین اشکال ممکن دیگر ماهیگیری را بیهوده می‌دانند.» (ص ۱۳).

ترجمه ما: «پس این تاریخ [منظور تاریخ بسته است] محدود می‌شود به چند حادثه شگفت‌انگیز در مبداء زمان. قهرمان اسطوره‌ای با آشکارکردن شیوه‌های گوناگون صید ماهی در دریاهاى عمیق در آغاز زمان برای پولینزیاییها، تکلیف همه صورتهای ممکن فعالیت ماهیگیری را با يك عمل واحد معلوم کرده است.»

But whereas modern man sees in the history that precedes him a purely human work... (p. xi)

ترجمه متن فارسی کتاب: «انسان جدید در تاریخ مشاهده می‌کند که ساخته و پرداخته اعمال خود است...» (ص ۱۲).

ترجمه ما: «پس در حالی که انسان متجدد [یعنی انسان در دنیای جدید] تاریخی را که پیش از او بوده تنها ساخته انسان می‌داند...»

But, properly considered, this history preserved in the myths is closed only in appearance... No such thing as an absolutely closed primitive society exists. (p. xi)

ترجمه متن فارسی کتاب: «لیکن، این تاریخ محفوظ در افسانه‌ها در نمایش نیز بسته است... جامعه نخستین مطلقاً بسته‌ای وجود ندارد.» (ص ۱۳).

ترجمه ما: «لیکن، اگر بدرستی ملاحظه شود، این تاریخی که در اسطوره‌ها محفوظ مانده فقط بظاهر بسته است... چیزی به

اسم جامعه ابتدایی مطلقاً بسته وجود ندارد.»

In the last analysis we could say that, though they are «open» to history, traditional societies tends to project every new acquisition into the primordial time, to telescope all events in the same atemporal horizon of the mythical beginnings. (p. xii)

ترجمه متن فارسی کتاب: «به هر حال می‌توان گفت که هر چند که این [نسلها] در برابر تاریخ «گشوده» هستند، جوامع سنتی برآند که فرا یافت هر دستاورد جدیدی در زمان نخستین، برای حرکت دادن تمام حوادث در همان افق غیر دنیوی و روحانی آغازهای افسانه‌ای محال است.» (ص ۱۴).

ترجمه ما: «در تحلیل نهایی می‌توانیم بگوییم که اگرچه جامعه‌های سنتی در برابر تاریخ «باز» هستند، لیکن برآند که دستیافت تازه‌ای را به عصر آغازین بازگردانند، و همه رخداده‌ها را در افق غیرزمانی خاستگاههای اسطوره‌ای ادغام کنند.»

Daramulun told his father, or master, Baiame, that during initiation he killed the boys, cut them to pieces, burned them, and then restored them to life. «new beings, but each with a tooth missing. (p. 13)

ترجمه متن فارسی کتاب: «دارامولیون به پدر یا سرور خویش پیام گفته که پسران را به هنگام آشناسازی بکشد و آنان را مثله کند و بسوزاند، و سپس آنان را برای حیات «موجودات جدید، که دندان پیشینشان کشیده می‌شود به زندگی بازگرداند.» (ص ۱۴).

ترجمه ما: «دارامولون به پدرش، یا اربابش بایمه [عالیترین خدا از خدایان قبیله ویراجوری] گفت که به هنگام آیین تشریف پسران را کشت و تکه‌تکه کرد و بسوزاند و بعد هم آنان را همچون (موجودات تازه‌ای، لیکن هر کدام را با يك دندان کشیده، به زندگی بازگرداند.»

However, there is an element of truth in Winthius' hypothesis, and that is the idea of divine totality. This idea, which is found in a number of primitive religions, naturally implies the coexistence of all the divine attributes, and hence also the coalescence of sexes. (p.25)

ترجمه متن کتاب: «به هر حال فرض وین تویس، مبنی بر کلیت خدا درست است. این عقیده کلیت خدا که در تعدادی از مذاهب بومی دیده شده خدایان را دارای صفاتی از جنس مؤنث و مذکر می‌داند.» (ص ۲۵).

ترجمه ما: «به هر حال عنصری از حقیقت در فرضیه وینتوس هست، و آن عقیده به کلیت خداوندی است. عقیده به کلیت خدا که در شماری از دینهای ابتدایی پیدا می‌شود، طبیعتاً بر همزیستی همه صفات خداوند، و نیز بر هم آمیختگی دو جنس مذکر و مؤنث دلالت دارد.»

حاشیه:

(۲۶) متن اصلی، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.